مناطق آزاد

چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۷۸ - ۲۰ ذیحجه ۱۴۱۹ - ۷ آوریل ۱۹۹۹

سال اول - شماره یازدهم - ۱۲ صفحه - تکشماره ۵۰۰ ریال

صفحات اطلاع رسانی

مناطق آزاد

برنامه‌ی سینماها،
حرکت هواپیماها و قطارها،
کتاب های روز، نمایشگاه ها
و ...
در ۳ صفحه

متهم اصلی ویروس «ملیسا!» در اینترنت

صفحه‌ی ۴

در این شماره

مشاغل فراموش شده
صفحه‌ی ۵

استنلی کوبریک
مردی ماورای ستارگان
صفحه‌ی ۶

فریدون مشیری
در روزنامه‌ی مناطق آزاد
همین صفحه

برنامه های عمرانی کیش در سال ۷۸

صفحه‌ی ۳

خشکسالی گیلان را تهدید می کند

صفحه‌ی ۳

شبکه‌ی فیبرنوری جزیره‌ی کیش راه اندازی شد

گروه اقتصادی: اولین شبکه‌ی فیبرنوری جزیره‌ی کیش که شبکه‌ی رایانه‌ای شرکت‌های وابسته به سازمان منطقه‌ی آزاد کیش را به هم متصل می کند با هزینه‌ای برابر با ۱۰ میلیون تومان، مورد بهره‌برداری قرار گرفت:

علیرضا میرهادی مسوول راه‌اندازی این شبکه درباره‌ی این طرح گفت: این کابل فیبرنوری، دارای ۱۱۰۰ متر طول با چهار خط اصلی و فرعی است.

وی افزود: شبکه‌ی فیبرنوری جزیره‌ی کیش قادر است صدا و تصویر و در نصب تجهیزات مخابراتی تا ۳۰ هزار خط تلفن را عبور دهد.

میرهادی ادامه داد: این شبکه متناسب با شرایط اقلیمی خاص منطقه و جزیره طراحی شده است.

او گفت: برای راه‌اندازی شبکه‌ی فیبرنوری جزیره ۱۰۰ میلیون ریال هزینه شده و در حال حاضر ارتباط رایانه‌ای سازمان منطقه‌ی آزاد با شرکت‌های مهندسی و عمران و خدماتی کیش برقرار شده است.

گزارش و نگاهی به کنسرت کوروش یغمایی در کیش

کیش ـ دفتر *رسانه‌ای مناطق آزاد:* برای نخستین بار بعد از ۲۰ سال، نخستین کنسرت کوروش یغمایی، آهنگساز، تنظیم کننده و خواننده‌ی مطرح ایران در ورزشگاه المپیک کیش، برگزار شد.

قرار بود نخستین کنسرت یغمایی در سالن دریای نور هتل استقلال تهران برگزار شود که به دلایل متعدد این اجرا انجام نشد و جزیره‌ی کیش بعد از سالیان سال «گل یخ» را از راوی اصلی شنید.

حساسیت بیش از حد کوروش یغمایی برای بر پایی این کنسرت به شکل دلخواه سبب شد که «شهر کتاب» کیش، تنها عرضه کننده‌ی بلیت‌های ۳۵۰۰۰ ریالی این کنسرت باشد.

پاسخ منفی برگزارکنندگان کنسرت به شرکت‌های ایرانی و خارجی برای چاپ آگهی روی بلیت، تبلیغ در فاصله آنتراکت و... به اعتبار این حرکت فرهنگی افزود.

با وجود قیمت نسبتاً بالای بلیت کنسرت و ضعف شدید تبلیغات (عدم استفاده از آنونس رادیویی، پوسترهای رنگی و...) بلیت‌های کنسرت در فاصله‌ی اندکی به فروش رسید و بسیاری از هواداران موسیقی پاپ، پشت درهای بسته ماندند که همین امر یک بار دیگر ضرورت احداث یک تالار آبرومند برای کنسرت و اجتماعات اینچنینی را به مسئولان سازمان منطقه‌ی آزاد کیش یادآور می‌شود.

شاید شب اول اجرا، خیلی‌ها برای تجدید خاطره و غم غربت پا به ورزشگاه المپیک کیش گذاشتند، اما شکوه ارکستر و صلابت یغمایی در اجرای درست آهنگ‌ها و ارکستراسیون متفاوت آثار گذشته، نشان از توانایی بالای او داشت و ثابت کرد که کوروش نمی‌خواهد فقط یک خاطره‌ی دوردست در یادها باشد. بلکه آمده است تا ثابت کند که هنوز بهترین است.

وقتی قرار بود گل یخ اجرا شود تشویق مردم به اوج رسید و با شروع کلام کوروش، خیلی‌ها از فرط هیجان به گریه افتادند و این در حالی بود که سی سال از اولین اجرای این ترانه‌ی خاطره‌انگیز می‌گذشت . بعد از پایان کنسرت، کوروش یغمایی، در پاسخ به یکی از جوانان علاقمند که پرسیده بود: آیا خودتان از این کنسرت راضی هستید، با لبخندی گفت: اگر حتی یک نفر را در برابر ویروس موسیقی لوس آنجلسی واکسینه کرده باشم، به هدفم رسیده‌ام.

بقیه در صفحه‌ی ۲

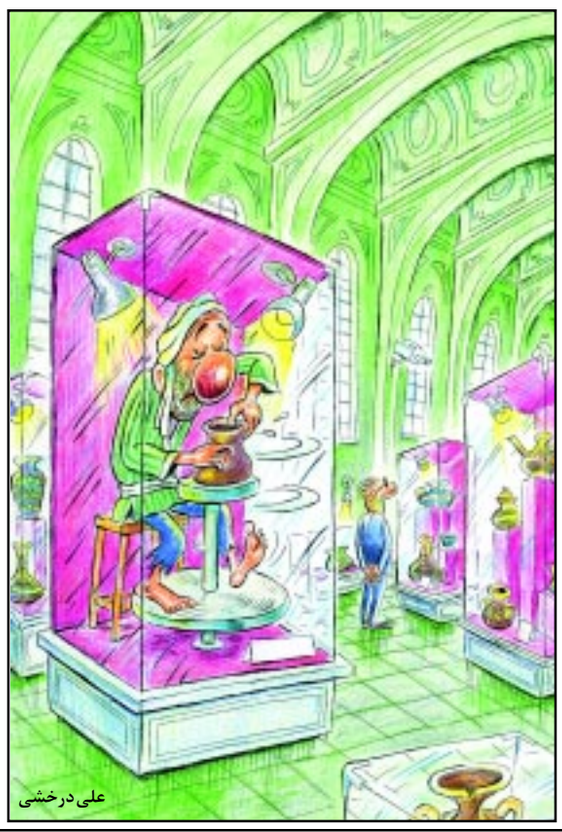

علی درخشی

گفت‌وگوی تمدن‌ها

کاری که تئاتر می‌تواند

عکس از: شاهین شهابلو

جمشید مشایخی

تئاتر، موسیقی و اصولاً هنر، قبل از اینکه کتاب و رسانه‌ای وجود داشته باشد، ارتباط تنگاتنگی با زندگی انسان داشته است.

انسان، در تقابل با ترس از تاریکی، زلزله و دیگر اتفاقات طبیعی و یا برای باروری زمین، حرکاتی موزون از خود نشان می‌داد که پایه‌گذار هنر نمایش شد. موسیقی نیز در آغاز از صدای طبیعت، نغمه‌ی پرندگان، رود و کلاً اصواتی که در طبیعت وجود دارد، به وجود آمده است.

انسان به وسیله‌ی تئاتر توانسته بسیاری از مسایل و نیازهای خود را طرح کند. به عنوان مثال، می‌توانیم به یکی از اساطیر به یادماندنی یونان یعنی پرومته اشاره کنیم که به جرم آوردن آتش، برای انسان به بند کشیده شده است. در این حکایت، معنای آتش چیست؟ آتش، دانستن و شعور است. خدایان نمی خواستند انسان از نعمت آگاهی بهره ببرد. خدایان چه کسانی بودند؟ آنها انسان‌های قدرتمندی بودند که در زمین خاکی زندگی می کردند. پرومته اما موجودی با ارزش است که برای اهدای آتش به انسان فداکاری می کند. او را به زنجیر می کشند و شکنجه می‌دهند.

پس تئاتر پایه واساس مذهبی داشته؛ از مذاهب چندخدایی قدیم گرفته تا مذهب یهودیت، مسیحیت و اسلام.

تعزیه‌ای که ما در اسلام و مسیحیت داریم، نوعی از انواع هنر تئاتر است که به طورویژه، عده‌ای درآن عرصه به هنرنمایی می‌پردازند.

و به‌طور مشخص به مسایل مذهبی می‌پردازند. مثلاً «شمر» در نمایش تعزیه، پس از اینکه امام حسین(ع) را به شهادت می‌رساند ، در گوشه‌ای شروع می کند به گریستن تا حق و ناحق برای مخاطب روشن شود. در این نوع نمایش، همیشه نیز حق پیروز می‌شود.

از سویی دیگر، هنر تئاتر عرصه‌ی مناسبی است برای ثبت فرهنگ قومی و سرزمین خودمان. به هر شهری که می‌روید سنن و آداب و رسوم مردم آن مناطق را در هنر نمایش آنها می‌بینید.

سنت‌ها ریشه در تفکر و احساس و شعور ما دارند. انگار از یک چشمه نشأت گرفته‌اند؛ یا همه یک هدف دارند؛ اگر چه هر کدام از راه‌های مختلفی می‌روند.

در بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها خیلی مهم است که باور کنیم همه ما که رودهای کوچکی نیز هستیم به یک «دریا» ختم می‌شویم.

بشر امروز ادعا می کند که به اخلاق و دل، تکیه دارد و بسیاری از مسایل پیچیده‌ی گذشته را حل کرده است. از جمله اختلافات قومی، سیاسی و... اما اینطورنیست؛ انسان عاقل، بالغ و با شعور، وقتی می‌بیند با دیگران تفاوت دیدگاهی دارد، از شمشیر استفاده نمی کند. از کاه، کوه نمی سازد.

ما در فرهنگ‌مان، شخصیتی داریم به نام آرش کمانگیر. او جهان پهلوانی است که انتخاب می‌شود تا مرز ایران و توران را تعیین کند. او تیری در کمان می کند و آنقدر از خود، انرژی می گذارد تا منطقه‌ی وسیع‌تری را با تیر خود به نفع کشور ایران در نوردد. آرش پس از رها کردن تیر، خاکستر می‌شود. تصور می کنم دراینجا، تعیین مرز خاکی ایران و توران، نشانه‌ی تعیین حد خوبی است در برابر پلشتی، پلیدی، زشتی و بدی. یعنی آرش قصد داشته وسعت خوبی را بیشتر کند. خاکستر شود تا مرزهای خوبی گسترش یابد. کمتر کشوری به اندازه‌ی ما، از پشتوانه‌ی ادبیات انسانی و اخلاقی برخوردار است؛ با آثار بزرگانی چون حضرت فردوسی، حضرت حافظ، سعدی، مولانا و عطار. بخاطر وجود چنین کسانی است که می گویند خاک هنرپرور ایران؛ چون در جای جای این سرزمین یک یل وجود دارد.

می‌بینیم نوجوانان روستایی ما در المپیاد اول می‌شوند؛ چون اسیر مناسبات محدودکننده‌ی شهرنشینی نشده‌اند.

اسیر این تجملات و تفریحات دست و پاگیر نشده‌اند. و مجبورند که بخوانند و مطالعه کنند. البته من مخالف تفریح نیستم. نمی گویم که زندگی آدم باید خشک و بی‌روح باشد ولی آنها در طبیعت تفریح می‌کنند. طبیعت خیلی چیزها به آنها می‌دهد که ما از آن دور هستیم.

ما باید، زمینه‌های مساعدی فراهم کنیم تا افرادی که گردشگرند به ایران بیایند، وارد این مملکت بشوند. بنابراین لازم است هتل‌هایمان را برای پذیرایی ازآنها تجهیز کنیم و چون بسیاری از افرادی که برای سیاحت به ایران می‌آیند، باید درحد معقول و ممکن، از رویه‌ی زندگی خودشان بهره‌مند باشند بهتر آن است که اداره‌ی بعضی هتل‌ها را به اقلیت‌های مذهبی واگذاریم تا خودشان اداره کنند. البته در این مورد می‌توانیم مشروط سازیم که هیچ مسلمانی درآن هتل‌ها راه پیدا نکند تا آنها حداقل در هتل‌های خودشان راحت باشند. درآمد جهانگردها می‌تواند درآمد خیلی خوبی باشد به طوری که از این طریق، بسیاری از مشکلات درآمدی کشور، برطرف خواهد شد.

بقیه در صفحه‌ی ۲

فریدون مشیری در تحریریه‌ی مناطق آزاد

شعر باید شور داشته باشد

تحریریه‌ی روزنامه‌ی مناطق آزاد میزبان شاعر بلند آوازه‌ی معاصر، فریدون مشیری بود. مشیری، شعر «دست» را به تحریریه‌ی روزنامه‌ی مناطق آزاد تقدیم و قرائت کرد که با استقبال فراوان تحریریه روبه‌رو شد.

او درباره‌ی شعر خود گفت: «کتابی از من به نام یک آسمان پرنده در آمریکا منتشر شده که آقای کیائیان مسئول نشر چشمه در مقدمه‌ی آن نوشته‌اند: شعر فریدون مشیری، صداقت اوست و این برای من افتخاری است. استاد زرین کوب هم نوشته‌اند که مشیری نه در جبهه‌ی خاص و نه در خط خاص و نه برای مریدپروری شعر گفته، هر چی گفته، مال خودش بوده، همه‌ی این‌ها به من این توانمندی را می‌دهد. در راهی که تا این جا آمده‌ام، پا برجا باشم. مجذوب بعضی از نوآوری‌های نامفهوم هم نشده‌ام. مضامین بعضی از این اشعار را اصلاً نمی‌شود فهمید. ما در گذشته، عظمتی داشته‌ایم که هیچ‌گاه نمی‌شود آن را قیچی کرد و دور ریخت. ما فردوسی، حافظ و سعدی داریم. اگر قاره‌ی آمریکا، چهارصد سال کشف شده، ما با اشعاری با قدمت چند هزارساله در فرهنگمان روبه‌رو هستیم. پس یک باره بریدن از تاریخ عظیم شعر فارسی معنا ندارد. من از شعر بی‌وزن و بی‌معنا گفتن همواره پرهیز کرده‌ام. به قول یک پژوهشگر سوئیسی در ایران، من پلی میان شعر قدیم و شعر نوی ایران زده‌ام که هم باعث رغبت جوانان به شعر قدیم باشد و هم از لحاظ وزن و کلام و شیرینی سخن تازه باشد. فرض کنید شعرهای شاملو اوائل موزون بود و همه هم با محتوای بسیار جالب. اما در چند سال اخیر من شخصاً چیزی از شعرهای شاملو نمی‌فهمم، نمی دانم عیبی برای من است یا برای او.»

فریدون مشیری در ادامه‌ی سخنان صمیمی‌اش درباره‌ی وضعیت چاپ کتاب‌هایش در ایران گفت: «در یک کشوری من توانستم یک کتاب چاپ کنم، یک نوار منتشر کنم ، از هیچ کس اجازه نگرفتم، هیچ کس از من نپرسید؛ این چه کاری است داری می کنی، ولی یک جای دیگر کتاب، یک سال می‌ماند تا اجازه‌اش را بدهند، نوار یک سال می‌ماند تا اجازه‌اش را بدهند، هر چی شما می گویید آقا این‌ها چاپ شده، چاپ هشتم است، چاپ دوازدهم است، چاپ شانزدهم است کسی توجهی نمی کند. پرواز با خورشید شانزده بار چاپ شد؛ هنوز یک دو بیتی‌اش را می‌نویسند؛ حذف کن!! »

فریدون مشیری در پاسخ به این پرسش که چرا وضعیت فعلی به وجود آمده است؛ گفت: سه دهه شاعران واقعاً توانمند داریم؛ این‌ها هر کدام به تنهایی قادرند با بسیاری از شاعران کهن برابری کنند. تا حدود سال‌های ۵۶ که وضعیتی دیگر پیش آمد، نادر پور به خارج رفت. اخوان، محمد زهری و سیاوش کسرایی درگذشتند. این‌ها هر کدام ستون‌هایی بودند. این‌ها بهترین دوره‌ی شعر فارسی را فراهم کردند.

نود و چهارمین شماره

مجله مناطق آزاد

۹۴

به همراه ۶ ویژه نامه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور و مطالب خواندنی دیگر منتشر شد

دوره های جلد شده مجله مناطق آزاد
(از اسفند ۶۹ تا شهریور۷۷) شامل اطلاعات مربوط به مناطق آزادو ویژه اقتصادی ایران و جهان

تلفن: ۹-۸۲۲۹۰۹۵ فاکس: ۸۲۰۶۶۹۷